

تبر

تقدیم به غضنفر که می‌گفت، «خربزه خوردم، داشتی می‌مردی!» تا خوردن از او باشد و مردن از ما!

دو مرد در یک مسیر ره می‌سپردند. یکی از آن دو تبری یافت. دیگری گفت، «چه خوب چیزی پیدا کردیم.»



اولی تصحیحش کرد: «نگو کردیم، بگو کردی!»

چیزی نگذشت که صاحبان تبر برآشفته از راه رسیدند. آن که تبر را یافته بود به دیگری گفت: «انگار دخلمان آمد.»

دومی پاسخ داد: «نگو دخلمان، بگو دخلم!»

نتیجه اخلاقی: اگر به گلستان تنها می‌روید تاب تنهایی گلخن را هم بیاورید!